



<http://doi.org/10.22133/ISIA.2022.153473>

پیشگیری از جرم با ارائه راهکارهای طراحی محیطی

نمونه موردی: محله آبکوه در مشهد

پریسا روشنی^{۱*}؛ علیرضا حسینی^۲

۱ عضو هیئت علمی گروه آموزشی مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران

۲ عضو هیئت علمی گروه آموزشی مهندسی شهرسازی دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	ایجاد امنیت به وسیله طراحی یکی از مؤثرترین و کاراترین رویکردها در زمینه ارتقای امنیت شهری است که نقش بسزایی در ایمن‌سازی فضاهای شهری ایفا می‌نماید. یکی از انواع راهبردها در این زمینه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» است. این مفهوم ساده مبتنی بر این است که جرم تا اندازه‌ای پیامد فرصت‌های برخاسته از محیط است و در این صورت، باید دگرگونی محیط فیزیکی به‌منظور کاستن از ارتکاب آن امکان‌پذیر شود. هدف از انجام این پژوهش معرفی روش‌های پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و ارائه راهکارهای طراحی است که به دنبال افزایش امنیت، توسعه شهری و کاهش فرصت‌های مجرمانه به‌دست می‌آید. اطلاعات پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی جمع‌آوری شده است. در تحلیل اطلاعات از روش سوات و در ارائه برنامه از شیوه مشکل‌یابی کمک گرفته شده و راهبردها و سیاست‌ها بر پایه مدل GOSP ارائه شده است. نتایج بیانگر آن است که با حمایت از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، امکان نظارت طبیعی، تعمیر و نگهداری تجهیزات شهری و زیباسازی فضا، بهره‌گیری مرکب از فضاها، توجه ویژه به بافت‌های فرسوده شهری و نوسازی آن‌ها و افزایش مشارکت عمومی می‌توان جرم‌خیزی فضاهای شهری را کاهش داد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۴	
واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم فضای شهری طراحی محیطی	

*نویسنده مسئول

رایانامه: roshany2006@yahoo.com

نحوه استناددهی:

روشنی، پریسا و حسینی، علیرضا (۱۴۰۱). پیشگیری از جرم با ارائه راهکارهای طراحی محیطی؛ نمونه موردی: محله آبکوه در مشهد. مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، ۱(۱)، ۱۷-۲۹.

ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ <https://www.usc.ac.ir>

مقدمه

بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه ناشی از رشد و گسترش ناموزون نظام‌ها و فضاهای شهرنشینی بوده است. از جمله این مسائل اجتماعی، افزایش روزافزون جرایم و بزه‌کاری در محیط‌های شهری است. نکته جالب توجه این است که میزان و نوع جرایم و انحرافات اجتماعی در مناطق مختلف شهری متفاوت است؛ زیرا «جرم دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که باعث می‌شود رفتار مجرمانه، در واحد مکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد. برخی مکان‌ها به لحاظ ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت و ویژگی‌های ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری را برای وقوع جرم فراهم می‌کنند و مجرمان انگیزه‌دار را - که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه‌اند - به سوی خود جذب می‌نمایند» (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۵۴). بنابراین، برخی از مکان‌ها و نقاط شهری هستند که مستعد جرم‌خیزی و بروز آسیب‌های اجتماعی‌اند و حاشیه‌ها و بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری دو گونه اصلی این فضاهای بی‌دفاع شهری به‌شمار می‌روند. تناسب بین فرم و کالبد در شهر برای ایجاد امنیت فضای عمومی حائز اهمیت است (وطن‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸).

پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی درباره رابطه جرم و مکان و تأثیر ویژگی‌های کالبدی و ریخت‌شناسانه شهری بر وقوع آسیب‌های اجتماعی انجام گرفته است و نتایج بسیاری از این پژوهش‌ها نیز مؤید این رابطه و تأثیر است. برای مثال، یافته‌های پژوهشی در شهر اهواز نشان می‌دهد که «میزان جرم و بزه‌کاری با امکانات آموزشی - فرهنگی و... هر منطقه رابطه دارد». همچنین، «میزان جرم در مناطق مختلف شهر متفاوت است» و «زندگی در محیط فقیر با ویژگی‌های تراکم جمعیت، فقدان امکانات تفریحی، هنری، فرهنگی، ورزشی و... سوق‌دهنده فرد به سوی جرم می‌باشد» (اسداللهی و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج تحقیقی در شهر مشهد نیز خاطرنشان می‌سازد که «میان وضعیت سکونت خانواده با بزه‌کاری نوجوانان رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد» (اخگری اسلامی، ۱۳۹۴). همچنین بافت‌های فرسوده و نقاط حاشیه‌ای شهر مشهد نیز به لحاظ فراوانی وقوع جرایم و آسیب‌ها در جایگاه بالاتری از سایر نقاط شهری قرار دارند. محدوده آبکوه نیز جزو بافت فرسوده شهر مشهد است و مشکلات و معضلات فراوانی دارد که باعث کاهش امنیت و ایمنی محدوده شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه با استفاده از راهکارهای طراحی می‌توان باعث پیشگیری از جرم در محیط‌های شهری شد. بنابراین، هدف از پژوهش معرفی روش‌های پیشگیری از جرم و ارائه راهکارهای طراحی محیطی است.

پیشینه پژوهش

می‌توان گفت که نظریه CPTED رهیافتی جدید است که سابقه‌ای طولانی دارد. این نظریه محصول دهه ۱۹۶۰ به بعد در آمریکا است. شاید پیش از این، هیچ‌گاه به این اندازه به تأثیر محیط ساخته‌شده بر جرم پرداخته نشده بود. رویکرد امنیت از طریق طراحی نیز در سال ۱۹۸۹ با هدف تشویق توسعه‌دهندگان مسکن برای طراحی مکان‌هایی ایمن در مرحله برنامه‌ریزی ایجاد شد. هدف از این رویکرد، کاهش جرایم از طریق طراحی محیطی است. اشارات ویژه در زمینه توان بالقوه طراحی در کاهش جرایم و کنترل و نظارت محیطی، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، با تحقیقات نویسندگانی چون جیکوبز (۱۹۶۱، p. 45)، جفری (۱۹۷۱، p. 78) و نیومن (۱۹۷۳) آغاز شد. پژوهش آن‌ها سبب رواج ایده تأثیر طراحی شهری در کاهش جرایم محیطی شد.

کتاب معروف جیکوبز با نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی سرمنشأ آغاز تحقیقات درباره تأثیر عوامل شهری فیزیکی و اجتماعی بر رفتار و تعاملات مردم آن‌ها تلقی می‌شود. وی از جمله کسانی است که برای نخستین بار درباره «زوال شهری» و ارتباط آن با جرم بحث کرده داده است. به عقیده جفری، جیکوبز بود که نخستین جرعه‌های مربوط به چگونگی ارتباط شرایط محیطی با پیشگیری از جرم را بیان کرد.

با اقدامات جیکوبز، تمرکز تحقیقات به میزان شایان توجهی به نقش طراحی شهری معطوف شد. به اعتقاد او، فقدان «نظارت طبیعی» در محیط سبب بروز جرایم می‌شود. در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، جیکوبز سه ویژگی عمده برای ایمن‌سازی خیابان‌ها را این‌گونه برمی‌شمارد:

«۱. لزوم تفکیک روشن فضاهای عمومی و خصوصی، ۲. اشراف ساختمان‌ها بر خیابان که سبب افزایش چشمان ناظر بر خیابان و ارتقای نظارت طبیعی می‌شود و ۳. خلق فضاهای پویا که سبب ترغیب افراد برای حضور در خیابان‌ها (چشمان ناظر بر خیابان) می‌شود.» (Jacobs, 1961, p. 52).

آنجل (۱۹۶۸) در کتاب پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی به این موضوع پرداخته است که چگونه شهروندان می‌توانند نقش فعالی در پیشگیری از جرم داشته باشند. وی کار خود را با مشخص کردن محیط‌هایی آغاز کرد که قابلیت ایجاد فرصت برای ارتکاب جرم در آن‌ها فراهم بود. وی بر این عقیده بود که ارتکاب جرم در بعضی از مناطق بیشتر از مناطق دیگر است، زیرا فرصت بیشتری برای مجرمان معقول فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر، مجرمان از طریق فرایند تصمیم‌گیری، اهداف مدنظر خود را انتخاب می‌کنند و در این فرایند، تلاش و خطر رسیدن به نتیجه را ارزیابی می‌کنند. جفری (۱۹۷۱) که خالق رویکرد «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)» است، به تأثیرات عواملی نظیر طراحی، روان‌شناسی، فیزیولوژی و زیست‌شناسی در بروز ناامنی اعتقاد دارد. او همچنین معتقد است که برای پیشگیری از جرایم باید هر دو جنبه تأثیرات محیط بر رفتار انسان و همچنین زمینه‌های ژنتیکی در بروز جرم لحاظ شود (Jeffery, 1971, p. 80). اقدامات نیومن نقش بزرگی در ارتقای امنیت شهری داشت. تأکید اصلی نیومن بر خلق «فضاهای قابل دفاع» بود که چهار عنصر اصلی برای طراحی داشت. این عناصر به صورت جداگانه یا در کنار هم در خلق مفهوم فضای قابل دفاع نقش داشتند. این مفاهیم عبارت‌اند از: قلمرو، نظارت، تصویر ساختمان، کنار هم قرارگرفتن تسهیلات مسکونی در کنار تسهیلات دیگر. دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ شاهد ظهور «جغرافیای جرم» بود که بر روی مکان، فضا و قلمرو، به‌منزله کانون‌های اکولوژی اجتماعی جرم، تأکید داشتند. نظریه «فعالیت‌های روزمره» نقش ساختار جامعه مدرن و فعالیت‌های معمول زندگی روزمره در ایجاد فرصت‌های بیشتر برای فعالیت‌های مجرمانه را بررسی می‌کند. نظریه بسیار تأثیرگذار «پنجره‌های شکسته» از ویلسون و کلینگ بر روی اهمیت حیاتی نظارت محیطی به‌منزله یک شاخص فیزیکی برای ایجاد انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی تأکید داشت. اقدامات بعدی از دو نظریه اخیر تأثیر پذیرفتند. رویکرد «امنیت از طریق طراحی (SBD)» را می‌توان تکامل یافته رویکرد «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)» دانست. در انگلستان، امنیت از طریق طراحی رویکردی ابتکاری است که در سال ۱۹۸۹ توسط انجمن افسران پلیس (ACPO) تدوین و از سوی واحد پیشگیری از جرم وزارت کشور حمایت شد. به موجب این رویکرد، تمامی ساخت‌وسازهای جدید ملزم به در نظرگیری نظریه «فضاهای قابل دفاع» و رویکرد «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» در طرح‌هایشان بودند (Armitage, 2000). رویکرد امنیت از طریق طراحی در سال ۱۹۸۹ با استانداردهای درب‌ها و پنجره‌ها در نواحی مسکونی آغاز به کار کرد. در سال ۱۹۹۲، کمیته فنی ملی برای SBD در انگلستان تشکیل شد. در سال ۱۹۹۷ نظارت بر استانداردهای درب‌های ورودی منازل مسکونی در انگلستان آغاز شد. اولین تجدیدنظر عمده به این رویکرد در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت و سبب شد تا علاوه بر امنیت کالبدی، سایر اصول رویکرد امنیت از طریق طراحی در نظر گرفته شوند (Armitage, 2004, p. 15). تحقیقات اخیر آرمیتاژ (۱۹۹۹)، حاکی از تأثیرات چشمگیر این رویکرد در ایجاد امنیت شهری است. از نظر آرمیتاژ، صرف هزینه برای ساخت یا بازسازی مسکن با توجه به استانداردهای رویکرد امنیت از طریق طراحی سرمایه‌گذاری ارزشمندی محسوب می‌شود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷).

روش‌شناسی

تحقیق پیش رو کیفی است و از رویکرد تفسیرگرایی و روش تحلیل محتوا در آن استفاده شده است.

۱. روش پژوهش

اطلاعات پژوهش با روش کتابخانه‌ای و اسنادی و مشاهده میدانی و عکس‌برداری گردآوری شده و در تحلیل اطلاعات از روش مشکل‌یابی استفاده شده است. همچنین، در ارائه طرح پیشنهادی از روش GOSP کمک گرفته شده است.

۲. چارچوب نظری (در صورت لزوم)

معرفی رویکرد CPTED: این رویکرد را می‌توان طراحی کارآمد و به‌کارگیری بهینه تمامی عناصر موجود در محیط مصنوع به‌منظور کاهش جرایم شهری دانست که مستقیم و غیرمستقیم در ارتقای کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی و بهبود رفاه و سرمایه اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. مرکز بین‌المللی جرایم آن را طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته‌شده برای کاهش یا جلوگیری از جرایم و بهسازی کیفیت زندگی می‌داند. انجمن بین‌المللی CPTED (۲۰۰۵) نیز آن را استفاده هوشمندانه از فضای ساخته‌شده در جلوگیری از جرایم در فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط مصنوع تعریف می‌کند. بر این اساس می‌توان این رویکرد را رویکردی ترکیبی در طراحی ساختار کالبدی شهر دانست که از طریق آرایش و طراحی کالبد شهر برای جلوگیری از ارتکاب جرایم یا کاهش آن بهره می‌برد. بانک جهانی نیز بر این نظر است که این روش طراحی، این امکان را فراهم می‌کند که شهروندان نماینده‌ای کلیدی در ایجاد امنیت خویش باشند که از مشارکت‌سازی اجتماعی در جلوگیری و کاهش جرایم بهره می‌برد. پترلا (۲۰۰۴) سه رکن اساسی پیشگیری از جرم را در حوزه قانون، پیشگیری‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی‌های مناسب محیطی می‌داند که بدون توجه به آن نمی‌توان از جرایم قابل‌انتظار در محیط کاست.



شکل ۱: رکن اساسی پیشگیری از وقوع جرم از دید ترلا (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷)

رویکرد حاضر این امکان را فراهم می‌کند تا با طراحی کالبدی شهر از طریق طرح کالبدی ساختمان و طراحی پلان و دسترسی به سایت‌های جرم‌خیز بتوان از ایجاد محیط‌های مناسب برای جرم و جنایت پرهیز کرد تا به‌منزله بازدارنده‌ای از ارتکاب جرایم عمل کند. برای رویکرد حاضر حوزه‌هایی در نظر گرفته می‌شود که بر اساس بیانیه انستیتوی ملی جرایم به دو بخش تقسیم می‌شود. این دو بخش ابعاد فیزیکی و اجتماعی را شامل می‌شوند که بر قابلیت‌های شهر از بعد فیزیکی و کنترل و بازدارندگی آن در بعد رفتارهای جرم‌خیزانه مجرمان توجه دارد. در حوزه قلمرو

اجتماعی به بازدارندگی جرایم در رفتارهای شهری مبتنی بر روان‌شناسی محیطی توجه می‌شود و در حوزه بافت فشرده و کالبد شهر بازدارندگی جرایم در محیط کالبدی از طریق ضوابط و استانداردهای طراحی بررسی می‌شود. علاوه بر این، رویکرد حاضر دارای مزایایی است که از آن جمله می‌توان به بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی و تشویق طبقات اجتماعی در حضور در شهر (CPTED, 2004)، کاهش جرایم شهری و کاهش ظرفیت جرم‌خیزی مناطق شهری، افزایش فعالیت‌های اقتصادی و فعالیت‌های اجتماعی و افزایش میزان همکاری محله‌ای و مشارکت اشاره کرد.

- اصول اساسی رویکرد CPTED

بر اساس مستندات، تجربیات و آرای اندیشمندان جهانی در این زمینه، می‌توان به اصولی اشاره کرد که به‌عنوان مبانی در طراحی محیطی به‌کار می‌روند. به‌کارگیری این اصول و مفاهیم تمثیلی آن سهمی اساسی در طراحی محیطی بازدارنده از جرایم دارد. این اصول عبارت‌اند از:

• کنترل دسترسی

با استفاده از این اصل می‌توان میزان دسترسی به مناطقی در شهر را که امکان وقوع جرم دارند برای مجرمان احتمالی کاهش داد. برای فراهم‌سازی دسترسی مناسب و کاهش دادن دسترسی مجرمان به مناطق جرم‌خیز یا مناطقی که پتانسیل طبیعی وقوع جرم را در خود نهان دارند، می‌توان از نظارت‌های شهروندان و عابران پیاده یا ساکنان بر معابر و مسیرهای دسترسی بهره گرفت که با تعریف شفاف ورودی و خروجی ساختمان‌های مسکونی در سایت‌های شهری و نوع و چگونگی نورپردازی و نظارت طبیعی بر نحوه دسترسی به سایت ممکن می‌شود. از این اصل برای کاهش پتانسیل دسترسی به مناطق برای جرم‌خیزی و ارتکاب جرم استفاده می‌شود.

• تقویت قلمروهای طبیعی

قلمرو مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا می‌کند و بر اساس مالکیت خصوصی شکل می‌گیرد. این مفهوم از طریق تقویت احساس و روحیه مالکیت در محیط‌های ساخته‌شده ممکن می‌شود که به ایده چتر موسوم است. لازم است یادآوری شود که از طریق انگیزاندگی احساس مالکیت و تملک‌پذیری شهروندی به محلات و مناطق مسکونی است که حضور بیگانگان و مزاحمان برای ساکنان بااهمیت می‌شود. به عبارت ساده‌تر، فقط بعد از وجود و القای چنین احساسی در شهروندان و ساکنان شهر است که افراد مزاحم و مجرمان این حق را به خود نمی‌دهند که به حوزه قلمرو فرد دیگری وارد شوند.

• تعمیر و نگهداری

با تعمیر و نگهداری مناسب مبلمان شهری و تابلوها و علائم شهری و چراغ‌های روشنایی و محوطه‌سازی می‌توان علاوه بر بهینه‌سازی هزینه‌های شهری، از افزایش ظرفیت مناطق در جرم‌خیزی کاست.

• نظارت طبیعی

نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرارگرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت بر مناطق شهری را به‌وسیله شهروندان یا ارگان‌های انتظامی فراهم می‌کند. بر این اساس این امکان فراهم می‌شود که مناطق شهری در معرض دید عمومی قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیرقابل نظارت و به اصطلاح «مناطق کور» جلوگیری می‌شود. این امر باید در طراحی فضای سبز مناطق شهری مورد توجه باشد تا از ایجاد مناطق کور با حایل‌های فضای سبز مانند بوته‌ها و درختچه‌ها و درختان که امکان نظارت مستقیم را دشوار می‌کند جلوگیری شود.

• حمایت از فعالیت‌های اجتماعی

منظور از حمایت از فعالیت‌های اجتماعی این است که امکان انجام برخی فعالیت‌های اجتماعی در مناطق شهر فراهم شود تا علاوه بر اشتغال‌زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش داد. بسیاری از جرایم شهری در مناطقی روی می‌دهد که

نظارت عمومی کم است یا انسان حضور فیزیکی ندارد. در این روش تلاش می‌شود تا نوعی توانمندسازی در فعالیتهای اجتماعی صورت گیرد و در واقع به مناطق شهری و خاصه مناطقی که امکان جرم‌خیزی در آنها بیشتر است، فعالیتهای اجتماعی و حضور افراد افزوده شود.

۳. معرفی نمونه مطالعه‌شده

در مشاهدات میدانی، محله آبکوه مشهد (بخشی از خیابان شهید دستغیب و بافت پشت آن) مورد پیمایش قرار گرفت. خیابان دستغیب حد فاصل میدان راهنمایی تا چهارراه خیام است که قسمتی از آن (میدان راهنمایی تا سه‌راه فلسطین، برای نمونه و حوزه طراحی انتخاب شده است.



شکل ۲: معرفی محدوده پژوهش

یافته‌ها

با توجه به این‌که محدوده مدنظر در بافت فرسوده شهر قرار گرفته است، طبیعتاً نقاط ضعف آن بیشتر از نقاط قوت آن است، به طوری‌که کالبد محدوده کیفیت مطلوبی ندارد، بیشتر ساختمان‌ها تخریبی‌اند و نمای مناسبی ندارند، در بعضی نقاط زمین‌های متروک و فضاهای گم وجود دارد که مشکلات فراوانی در محدوده به‌وجود می‌آورند. از دیگر مشکلات محدوده نبود فعالیتهای متنوع، فقدان نظارت طبیعی در خیابان، دسترسی‌ها و معابر فرعی نامناسب، کنترل‌نشدن عابرین پیاده و سواره، کنترل‌نشدن ورودی ساختمان‌ها، فقدان تفکیک مناسب قلمروها و فضاهای محدوده، نبود تجهیزات شهری مناسب و وجود نندالیسمی در محدوده است. توجه و تأمل در موارد ذکرشده برای کاهش و رفع آنها در جهت ارتقای امنیت از اهداف پژوهش است.

امنیت ارتباط مستقیمی با فضا و کیفیت محیط شهری دارد، به طوری‌که فضای شهری مناسب تأمین‌کننده امنیت و فضای نامناسب از بین‌برنده آن و زمینه‌ساز انواع معضلات و آسیب‌های اجتماعی است (Vera, 2016, p. 70)، به طوری‌که تمامی فضاهای شهری به نیاز امنیت افراد به‌ویژه زنان در هنگام حضور آنها در فضاهای شهری پاسخ نداده است که نتیجه آن باعث عدم حضور یا محدودیت حضور شهروندان شده است. زنان، معلولان جسمی و کودکان در هنگام تردد در سطح شهر اغلب احساس ناامنی می‌کنند. فضاهایی مانند پیاده‌روهای ناهموار و تاریک و معابر کم‌عرض و مارپیچ‌گونه، پل‌های هوایی پوشیده‌شده، پارک‌های کم‌نور و تاریک، کنج‌ها، ساختمان‌های نیمه‌تمام و رهاشده یا متروک فضاهای بی‌دفاعی هستند که حضور تمامی شهروندان را کاهش داده‌اند.

منظور از ویژگی‌های کالبدی مجموعه خصوصیات شهرسازی و ریخت‌شناسانه بافت است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از ریزدانی، ناپایداری، نفوذناپذیری و... هرکدام از این عناصر می‌توانند به مثابه عامل مکانی - محیطی به ارتکاب جرم کمک کنند و به تعبیر جامعه‌شناسان علت تسهیل وقوع جرم به‌شمار می‌روند.

بافت فرسوده محدوده، ریزدانی ساختمان‌ها و آن طراحی فضایی قدیمی که شامل انواع فضاهای دنج و نفوذناپذیر در ساختمان‌ها است، همچنین عنصر ناپایداری بسیاری از آن‌ها را به صورت مخروبه و نیمه‌مخروبه درآورده است، به همراه شکل تودرتو و مارپیچ‌گونه معابر و کوچه‌ها و به تعبیر کوهن نه یک هدف، بلکه چندین هدف مناسب را برای وقوع جرم توسط بزه‌کاران به‌وجود آورده است.

این ویژگی‌ها انگیزه و فرصت فیزیکی بسیار مناسبی را برای «انتخاب عقلانی رفتار مجرمانه» فراهم می‌آورند. مثلاً بسیاری از ساختمان‌های مخروبه یا رهاشده بافت محل تجمع معتادان و نگهداری یا خریدوفروش مواد مخدرند. کوچه‌های تنگ و تاریک و باریک محل مناسبی برای ایجاد انواع مزاحمت‌ها برای زنان و کودکان است. از سوی دیگر، نفوذناپذیری بافت به عاملی برای کاهش نظارت مؤثر پلیس و دستگاه‌های امنیتی نظارتی تبدیل شده است، به طوری که با وجود حضور نسبتاً پررنگ نیروهای انتظامی در این بافت، عملاً کارایی چندانی برای پیشگیری از وقوع جرایم وجود ندارد و حتی در برخی از موارد، خود افراد پلیس هم قربانی جرایم جنایی می‌شوند.

در نتیجه، با رعایت استانداردهای کالبدی مناسب در طراحی بافت و از بین بردن فرصت‌های فیزیکی برای ارتکاب جرم، می‌توان به طراحی مطلوب از نظر کالبدی و سیمای محدوده دست یافت که نتیجه آن احساس امنیت در افراد و حضور آن‌ها است.



شکل ۳: روابط بین معیارهای مختلف در حوزه طراحی، مستخرج از مبانی نظری

بحث و بررسی

محدوده با جداره‌ای صلب و فرسودگی کالبدی در بافت، کمبود خدمات رفاهی - اجتماعی (مانند خدمات آموزشی، فضای سبز، ورزشی، فرهنگی...)، فقدان عرصه‌های همگانی تجهیز شده و کاربری‌های تجاری که وجودشان به سرزندگی و حضورپذیری و امنیت چندان کمکی نکرده است، فقدان نظارت اجتماعی در بیشتر نقاط محدوده و کوچه‌های حاشیه‌ای، نورپردازی نامناسب در شب و ایجاد ناامنی، بی‌توجهی به عابرین پیاده و آلودگی‌های محیطی شامل اغتشاش بصری، عدم خط آسمان منظم، وجود ساختمان‌ها با نمای نامطلوب و وجود دیوارنویسی (وندالیسمی) در بعضی نقاط است.

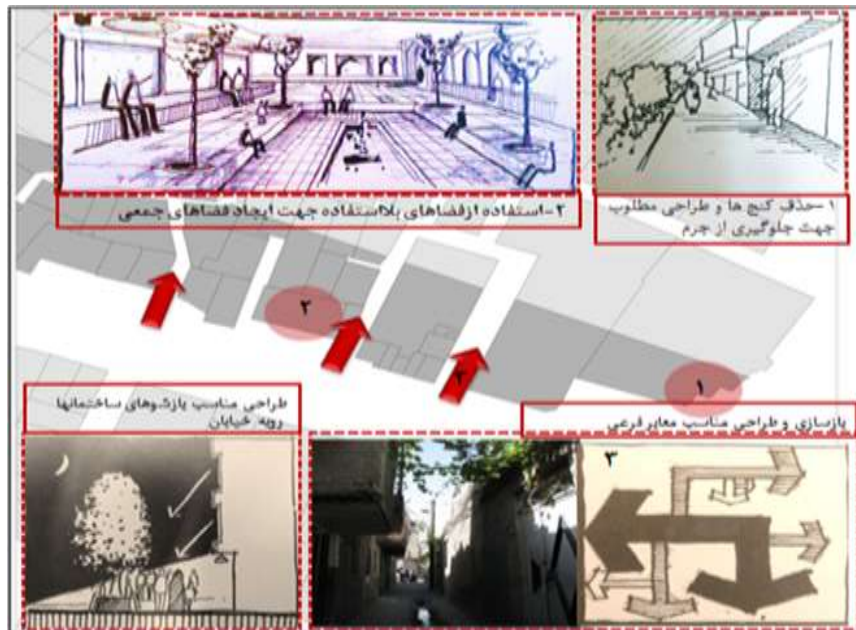
توجه و رسیدگی به پتانسیل‌هایی از قبیل وجود کاربری‌های تجاری در محدوده، همجواری با محلاتی که از نظر اجتماعی و اقتصادی و کالبدی از سطح بالایی برخوردارند و فضاهای خالی و رهاشده در محدوده ضعف‌ها را به قوت و قوت‌ها را به فرصت برای رسیدن به محیطی مطلوب از لحاظ کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و خصوصاً ارتقای امنیت تبدیل می‌کند و رسیدگی نکردن به معضلات موجود و نبود همکاری و هماهنگی مسئولان و ساکنان و شاغلان در محدوده آن را به محیطی با کمترین کیفیت فضای شهری و ناامن برای افراد تبدیل خواهد کرد.



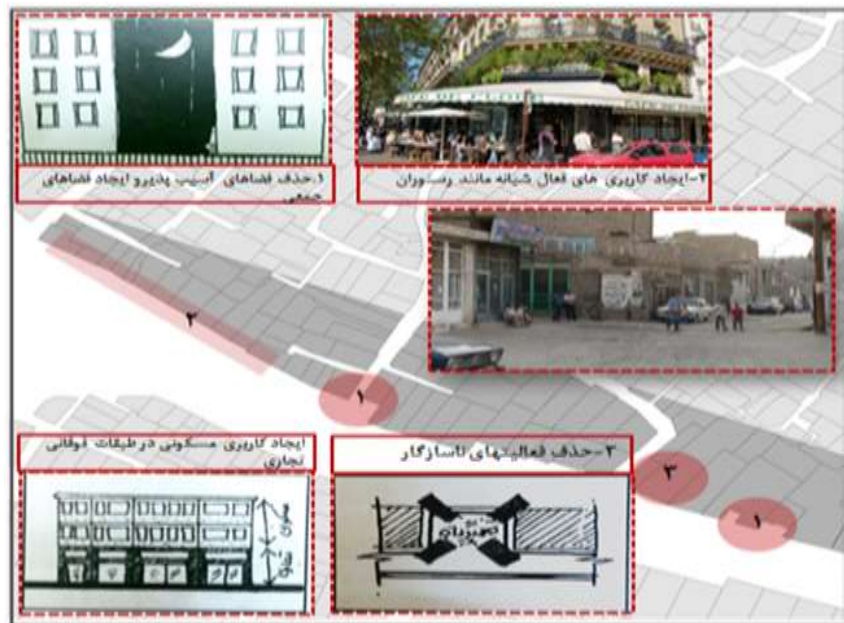
شکل ۴: بافت فرسوده و ناامن در محدوده مورد پژوهش



شکل ۵: معابر و کنترل دسترسی در محدوده مورد پژوهش



شکل ۶: راهکارهای طراحی-۱



شکل ۷: راهکارهای طراحی-۲



شکل ۸: راهکارهای طراحی-۳

جدول ۱ در راستای رفع مشکلات موجود برای دستیابی به اهداف کلان و خرد، راهبرد و سیاست طراحی را ارائه می دهد.

مطالعات میان‌رشته‌ای معماری ایران، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

جدول ۱: بررسی اهداف، راهبرد و سیاست محدوده

معیار	مشکلات	اهداف کلان	اهداف خرد	راهبردها	سیاست‌ها
تنوع در کالبد و فعالیت	فرسودگی و وجود ساختمان‌های تخریبی و نبود تنوع فعالیتی در محدوده	پایداری کالبدی و عملکردی	۱- ارتقای کیفیت منظر و کالبد ۲- بهبود عملکردها	۱-۱- ارتقای کیفیت ساختمان‌ها و فضاهای موجود ۱-۲- ایجاد فضاهای جمعی جدید ۲-۱- ایجاد تنوع فعالیتی ۲-۲- ایجاد اختلاط کاربری‌ها	۱-۱-۱- بازسازی و بهسازی ساختمان‌ها و فضاهای موجود ۱-۱-۲- حذف کتج‌ها و زوایای پنهان و آسیب‌پذیر ۱-۲-۱- بهره‌گیری از فضاهای بی‌استفاده برای ایجاد فضاهای جمعی ۱-۲-۱-۱- ایجاد فعالیت‌های جمعی برای گروه‌های مختلف سنی و جنسی ۲-۱-۱- ایجاد کاربری‌های فعال شبانه مانند رستوران ۲-۲-۱- حذف فعالیت‌های ناسازگار و درشت‌دانه ۲-۲-۲- ایجاد کاربری مسکونی در طبقات فوقانی تجاری برای ایجاد نظارت در خیابان ۲-۲-۳- ایجاد کاربری مسکونی در طبقات فوقانی تجاری برای ایجاد نظارت در خیابان ۲-۲-۴- اختلاط کاربری‌های تجاری و اداری
نظارت و مراقبت	نبود امنیت و نظارت در محدوده	پایداری اجتماعی	تأمین امنیت حوزه	۱- نظارت اجتماعی ۲- تقویت حضورپذیری	۱-۱- ایجاد کاربری‌های فعال در شب مانند رستوران و آژانس ۱-۲- ایجاد نورپردازی مناسب در معابر اصلی و فرعی و پیاده‌روها به‌ویژه در شب ۱-۳- ارتقای کاربری‌ها و فعالیت‌های جاذب در طول شبانه‌روز ۲-۱- گسترش عرصه‌های عمومی به‌منظور تقویت نظارت عمومی ۲-۲- ایجاد مبلمان‌هایی برای تشویق به نشستن در محیط
کنترل دسترسی	۱- عدم رعایت سلسله‌مراتب دسترسی ۲- نورپردازی نامناسب در شب ۳- عدم رعایت ایمنی و امنیت در معابر	ایمنی و امنیت	۱- اصلاح وضعیت دسترسی ۲- اصلاح وضعیت کالبدی پیاده‌روها	۱-۱- ایمن‌بودن پیاده در مقابل سواره ۱-۲- رعایت سلسله‌مراتب دسترسی‌ها ۲-۱- سرزندگی و پویایی مسیرهای تردد ۲-۲- نورپردازی مناسب	۱-۱-۱- تغییر کفپوش در محل تقاطع سواره و پیاده به‌منظور کاهش سرعت سواره و استفاده از سرعت‌گیر ۱-۱-۲- تفکیک مسیرهای سواره و پیاده ۱-۲-۱- بازسازی و طراحی مناسب معابر فرعی ۱-۲-۲- طراحی کوچه‌های بن‌بست برای افزایش امنیت ۲-۱-۱- ایجاد مبلمان و پوشش گیاهی مناسب در پیاده‌روها برای ترغیب به پیاده‌روی ۲-۱-۲- ایجاد مسیرهای دوچرخه‌سواری در محدوده ۲-۲-۱- نصب چراغ‌های روشنایی در طول مسیر پیاده‌روها
کنترل فضا و قلمرو	۱- عدم جاذب جمعیت بودن محدوده ۲- ازبین‌رفتن حسن تعلق ۳- عدم تفکیک مناسب قلمروها	پایداری کالبدی	۱- بهبود سطح کیفی کالبدی	۱-۱- ارتقای سطح کیفیت و جذابیت جداره و فضاها ۱-۲- وجود فضاهای لازم برای جمع شدن و حضور افراد	۱-۱-۱- ایجاد و سامان‌دهی فضاها و کاربری‌های جاذب در حوزه ۱-۱-۲- طراحی مطلوب جداره برای افزایش رضایتمندی ساکنان و افزایش حسن تعلق به مکان ۱-۲-۱- استفاده از زمین‌های خالی برای ایجاد عرصه‌های همگانی به‌منظور استفاده از گروه‌های مختلف سنی و جنسی ۱-۲-۲- ایجاد فعالیت‌های مختلف فرهنگی و ورزشی برای جاذب‌بودن و حضورپذیری
تعمیر و نگهداری	۱- عدم وجود فضای شهری در محدوده ۲- نبود تجهیزات مناسب محدوده	ارتقای کیفیت منظر و کالبد	۱- اعتلای کالبد و منظر فضاها ۲- ارتقا امکانات کالبدی و تجهیزات شهری	۱-۱- اصلاح منظر جداره‌ها و تقویت جذابیت آنها ۱-۲- طراحی مراکز بالقوه تجمع ۱-۳- تشویق به مکث و سکون	۱-۱-۱- اعمال طراحی مناسب جداره و ایجاد هماهنگی در نمای ساختمان‌ها و خط آسمان ۱-۱-۲- مدیریت فضایی درخور فضای مورد استفاده تمامی اقشار ۱-۱-۳- طراحی مناسب بازشوهای ساختمان‌ها روبه خیابان در جهت ایجاد افزایش نظارت (چشم خیابان) ۱-۲-۱- استفاده از عقب‌نشینی‌ها و فضاهای خالی برای طراحی مراکز تجمع و عرصه‌های عمومی ۱-۲-۲- اعمال طراحی مناسب برای همه فضاها که نظارت همگانی را ایجاد کند. ۱-۳-۱- قراردادن مبلمان مناسب برای نشستن و مکث

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته، مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر در طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم عبارت‌اند از معیار کالبدی با زیر معیار تنوع در کالبد و فعالیت، معیار اجتماعی با زیر معیار نظارت و مراقبت، معیار حمل‌ونقل با زیر معیار کنترل دسترسی، معیار محیطی با زیر معیارهای کنترل فضا و قلمرو و تعمیر و نگهداری. در جمع‌بندی نهایی می‌توان اذعان داشت که با رعایت پیشنهادها زیر در طراحی می‌توان آسیب‌های واردشده به بافت را کاهش و امنیت را افزایش داد.

- طراحی مناسب ساختمان‌ها از جمله کاهش زوایای دید پنهان در طراحی و ایجاد فضاهای قابل دفاع؛

- اختلاط مناسب کاربری‌ها از جمله سازگاری کاربری‌ها با یکدیگر و ایجاد کاربری‌های ۲۴ ساعته و فعال در محله؛

- حذف فضاهای آسیب‌پذیر و غیرضروری در بافت محله که تبدیل به فضاهای گمشده و بی‌دفاع شده‌اند؛

- اشراف دائمی ساختمان‌ها بر مکان‌های آسیب‌پذیر؛

- وجود جداره‌ها و نماهای فعال در ساختمان‌های مشرف به معابر اصلی؛

- روشنایی کافی مکان‌های آسیب‌پذیر؛

- نورپردازی بر اساس حساسیت استفاده‌کنندگان؛

- طراحی کوچه‌های بن‌بست کوتاه و ایمن؛

- نظارت ساکنان بر ورودی و خروجی منازل؛

- وجود عرصه‌های همگانی برای استفاده گروه‌های سنی مختلف؛

- قابل رویت بودن موانع و حصارها؛

- مشارکت ساکنان در مدیریت محله؛

- جلب علاقه‌مندی و رضایت ساکنان از محیط پیرامون؛

- طراحی مراکز بالقوه تجمع؛

- جاگذاری مناسب مبلمان شهری و تجهیزات لازم عمومی (شکل‌های ۶، ۷، ۸).

منابع

احمدآبادی، زهره، صالحی هیکویی، مریم و احمدآبادی، علی (۱۳۸۷). رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب‌شناسی گیم‌نت‌های شهر تهران. رفاه اجتماعی، ۲۷(۲۷)، ۲۵۳-۲۷۵.

اخگر، اسلامی، م. (۱۳۹۴). بررسی وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت مشهد. جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۶(۱۸).

اسداللهی، عبدالرحیم، رضاییان، الهام و کریمی، مسعود (۱۴۰۰). ساخت و اعتباریابی اولیه مقیاس دانش، نگرش، قصد و عملکرد در سوء مصرف مواد مخدر در جامعه سالمندی ایران. اعتیادپژوهی، ۱۵(۵۹)، ۲۹۳-۳۱۰.

پورجعفر، محمدرضا، محمودی‌نژاد، هادی، رفیعیان، مجتبی و انصاری، مجتبی (۱۳۸۷). ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تأکید بر رویکرد C.P.T.E.D. نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید، ۱۹(۶)، ۷۳-۸۲.

وطنخواه، حمید، ذوالفقاری، حسین، کارگر، بهمن و کلانتری، محسن (۱۳۹۸). بررسی اقدامات درون‌سازمانی نیروی انتظامی برای پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی CEPTED، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۲(۴۵)، ص ۱۵۱-۱۸۰.

- Angel, S. (1968). *Discouraging crime through city planning*. Berkeley, Institute of Urban & Regional Development.
- Armitage, R. (1999). *An evaluation of secured by design housing schemes throughout the West Yorkshire area*.
- Armitage, R. (2000). An evaluation of secured by design housing within West Yorkshire. Home Office Briefing Note, 7, 1-4.
- Armitage, R. (2004). *Secured by design - an investigation of its history, development and future role in crime reduction*. Retrieved from <http://eprints.hud.ac.uk/id/eprint/6912/>
- Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of Great American Cities*. Random House.
- Jeffery, C. (1971). Crime Prevention Through Environmental Design. *American Behavioral Scientist*, 14(4), 598-598. doi:10.1177/000276427101400409
- Newman, O. (1973). *Defensible Space: People and Design in the Violent City*. Architectural Press.
- Petrella, L. (2004). *Urban Space and Security Policies: Between Inclusion and Revitalization*. Barcelona, Spain: UN Habitat.
- Vera, Y. F. (2016). *Crime Prevention Through Environmental Design*. Master of City and Regional Planning Terminal Projects, 70.

Crime Prevention by Providing Environmental Design Solutions (Case study: Abkooh neighborhood in Mashhad)

Parisa Roshani¹, Alireza Hasani²

Abstract

The security approach through design is one of the most effective and efficient approaches to promoting urban security that can significantly secure urban spaces. One of the types of crime prevention strategies is "crime prevention through environmental design." Environmental crime prevention is based on the simple notion that crime is, to some extent, a consequence of opportunities arising from the environment. In this case, the transformation of the physical environment must be possible to reduce crime acquisition. This study aims to identify the role of crime prevention methods through environmental design that seeks to increase security and urban development and reduce criminal opportunities. The research data were collected through documentary, library, and field observation methods. The SWOT method has been used in information analysis, the problem-finding technique has been used, and strategies and policies based on the GOSP model have been used to present the program. The results indicate support for social and economic activities, the possibility of natural monitoring, maintenance of urban equipment and beautification of space, combined use of areas, exceptional attention to the old urban textures, and renovation. Increasing public participation can reduce crime in urban spaces.

Keywords: Crime prevention, CPTED theory, Urban space, Environmental Design

1. Assistant Professor, Department of Engineering, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran.(Corresponding author) roshany2006@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Urban Planning, University of Boujnord, Bojnourd, Iran